

## تأثیرات و پیامدهای زبان عربی بر زبان فارسی دری

عبدالرحمن نهضت<sup>۱</sup>

### چکیده

پیامدهای تأثیر و تأثر در زبان‌ها یک امر طبیعی می‌باشد، لذا هیچ زبان پیشرفته‌ای در جهان وجود ندارد، مگر اینکه زبانی بر زبان یا زبان‌های دیگر تأثیر گذاشته و یا اینکه از آنها تأثیر گرفته باشد، لیکن هر زمانی که مسأله تأثر زبان فارسی دری از عربی مطرح می‌شود، پیامدها و تبعات مثبت این تأثر در ذهن متبادر می‌گردد، شکی نیست که این تأثر دارای تبعات و پیامدهای منفی نیز می‌باشد. سرانجام تأثیرپذیری زبان فارسی دری از عربی منجر به نزدیکی بیش از حد میان این دو زبان گردیده است، و این امر برخی از متکلمین به زبان فارسی دری را در هنگام حرف زدن به عربی دچار ارتکاب خطاء و اشتباه می‌گرداند، هدف تحقیق این مقاله بازگو نمودن همین موارد می‌باشد؛ که نتایج ذیل به دست آمده است: اشتباه درک نمودن در نطق کلمات و عبارات عربی مهجور و متروک بگمان اینکه این کلمات و عبارات زنده و مستعمل در زبان عربی می‌باشند. همچنین در عدم استعمال الفاظ معرب که ریشه دری دارند، ولی گمان می‌شود که معادل عربی این الفاظ و کلمات امروز در زبان عربی کاربرد دارند، در حالیکه خود آن الفاظ در عربی استعمال می‌گردند، نه معادل آنها. اشتباه دیگر، در عدم بکارگیری کلمات و عبارات اصیل عربی که امروز در زبان عربی نیز کاربرد دارند، بگمان اینکه این کلمات و عبارات اصیل دری هستند نه عربی. در عدم فهم معانی بعضی الفاظ مشترک میان هر دو زبان که به حروف، حرکات و سکنات همسان در هر دو زبان نوشته می‌شوند. در این مقاله از روش کتابخانه‌ای استفاده شده است.

**واژگان کلیدی:** تأثیرگذاری، تأثیرپذیری، واژه‌های معرب، واژه‌های مهجور، واژه‌های ناآشنا

<sup>۱</sup> استاد بخش زبان عربی پوهنچی، زبان‌های خارجی پوهنتون، دانشگاه کابل nehzat2020@gmail.com

## مقدمه

زبان یک موجود زنده است، و هر آنچه که در موجود زنده از پیشرفت و عدم آن، قوت و ضعف و گسترش و عدم آن و انتشار و عدم انتشار رونما می‌گردد در آن نیز وارد می‌شود. و چنانچه اشیاء زنده یکی از دیگری تأثیرپذیر هستند، زبان‌ها نیز از یکدیگر متأثر می‌باشند، و تأثیرگذاری و تأثیرپذیری یک امر طبیعی در زبان‌ها می‌باشد، و هیچ زبان پیشرفته در دنیا پیدا نمی‌شود مگر اینکه موثر و یا متأثر از سایر زبان‌ها باشد. زبان عربی به حیث یک زبان بزرگ و بعنوان یکی از زبان‌های رسمی شش‌گانه در سازمان ملل متحد با بسیاری از زبان‌های دنیا از جمله زبان فارسی دری ارتباط محکم دارد، و زبان عربی به حیث زبان دین، و زبان قرآن کریم و زبان پیامبر معظم اسلام محمد مصطفی و به حیث زبان دعوت اسلامی تأثیر فراوان بر زبان فارسی دری دارد. و تأثیر زبان عربی بر فارسی دری در یک بخش مشخص منحصر نگردیده بلکه بخش‌های مختلف از زندگی این زبان را احتوا می‌کند، از اینرو تعداد زیادی از واژگان و ألفاظ عربی در این زبان بعد از فتح افغانستان توسط مجاهدان اسلام در زمان خلافت حضرت عثمان در این زبان داخل شده است، و واژگان وارد شده عربی در زبان دری بیشتر از ۶۰ فیصد واژه‌های این زبان را تشکیل می‌دهد و گاهی برای این واژگان عربی در زبان دری معادل پیدا نمی‌شود.

و حتی زبان دری از اصطلاحات علوم زبان عربی نیز تأثیر پذیر بوده است؛ بگونه‌ای که به کثرت از اصطلاحات علم اصوات، صرف، نحو و بلاغت عربی کار گرفته است. و همچنان این زبان بسیاری از موضوعات زبان عربی را استعمال کرده است. برای نمونه بیشترین اصطلاحات علم اصوات چون: ادغام، اخفاء، اقلاب، اظهار، همس، جهر، شدت، رخوت، استعلاء، استفال، انفتاح، تفخیم، ترقیق و غیره و همچنان بیشترین اصطلاحات صرفی چون: جامد، مشتق، مجرد، مزید، و حتی تقسیم کلمه به اسم، فعل و حرف و بیشترین اصطلاحات علم نحو چون: فاعل، مفعول، مبتدا، خبر و غیره و بیشترین اصطلاحات علم بلاغت چون: تشبیه، استعاره، مجاز، حقیقت، کنایه، توریه، استفهام، نداء، وصل، فصل، قصر، ایجاز و غیره در زبان دری اصطلاحات اصیل عربی‌اند. و همچنان زبان دری بعد از فتوحات اسلامی که افغانستان و مناطق همجوار آن را شامل شد در آغوش حروف عربی رشد و نمو کرد. نیز چنانکه زبان دری از زبان عربی متأثر گردید است، زبان عربی نیز از زبان فارسی دری متأثر می‌باشد، و این زبان از نفوذ زبان فارسی دری مصون نماند. که این تأثیرپذیری شامل قرض گرفتن بسیاری از واژگان زبان فارسی دری توسط عربی می‌گردد، و تعداد این واژگان زیاد بوده که از سرحد صد واژه تجاوز می‌کند، و گاهی برخی از این واژگان را قرآن کریم نیز استعمال کرده است؛ و بعضی از این واژگان را امام سیبویه در کتاب مشهور خود بنام (الکتاب) ذکر کرده است، که می‌توان از کلمات زیر که در کتاب مذکور ذکر شده نام برد؛ و آنها عبارتند از: لجام، دیباج، یرندج، نیروز، فرند، زنجبیل، ارنج و یاسمین (عمر، ۲۰۰۸).

بلکه تأثیرپذیری زبان عربی از دری از این حد گذشته و حتی این زبان به اشتقاق برخی افعال از واژگان جامد زبان دری پرداخته است، برای نمونه: فعل (جورب) به معنای: (جراب پوشید)؛ که در عربی استعمال می‌گردد از کلمه (جراب) دری مشتق گردیده، و فعل (تکدی) که معنای آن (به گدای پرداخت) از مصدر تکدی دری مشتق شده و فعل (باس) به معنای (بوسید) از کلمه بوسه دری گرفته شده است (معروف، ۱۳۸۵: ۶۷-۶۶). مقاله پیش‌رو به این سوال پاسخ خواهد داد که تأثیرات منفی زبان عربی بالای زبان فارسی دری چگونه بوده است؟ و نیز تأثیرات زبان فارسی دری بالا زبان عربی را مورد کاوش قرار داده است، که این خود سبب بیان ارتباط دستوری دو زبان مزبور می‌گردد، که بهترین راهگشای برای روابط دستوری هردو زبان مذکور می‌باشد، کسانی را که در راستای پژوهش‌های ادبی و دستوری زبان عربی و فارسی دری نیازمند است را کمک شایان می‌رساند، زیرا که تحقیق مقاله مزبور بگونه دقیق از مراجع و مأخذ دست اول بهره جسته شده است. تا هر پژوهنده، محصل به آسانی بتواند درک کند، که میزان تأثیرات منفی زبان عربی بر زبان فارسی دری تا چه حد بوده، و همچنان پیش زمینه برای تحقیقات گسترده در این زمینه خواهد شد.

### ۱- پیشینه تحقیق

پیرامون تأثیر و تأثر زبان عربی مقالات و کتاب‌های فراوان مورد مطالعه قرار گرفت که از جمله آن می‌توان به مقالات ذیل و مورد بررسی شده توسط آنها اشارات کوتاه داشت:

۱۴۷

- چگونگی تأثیرپذیری زبان‌های فارسی و عربی از یکدیگر؛ نویسنده: ظفری ولی‌اله وی در مقاله خویش چنین نگاشته است: زبان وسیله‌ای است برای برقراری ارتباط اجتماعی و به دو صورت ظهور می‌کند: خط و گفتار. این دو به تبع عوامل و تأثیرات متعدد دستخوش دگرگونی‌های فراوان می‌شوند. همچنین زبان‌ها در تأثیرگذاری بر روی یکدیگر گاه مایه فساد و فرسایش و گاه مایه شکوفایی متقابل می‌گردند که از جمله می‌توان به رابطه تاریخی میان زبان فارسی و عربی اشاره کرد که مایه شکوفایی هر دو زبان گشته است. با این وجود، در اکثر تحقیقات و مطالعات بیشترین ادعان و یا بزرگنمایی بر جانب تأثیر زبان عربی بر فارسی بوده است و این مقاله حدود واقعی این تأثیرگذاری دوجانبه را مورد بررسی قرار می‌دهد.

- تأثیر زبان فارسی بر ادبیات عصر جاهلی؛ توسط سید اسماعیل اجداد نیاکی؛ در مقاله خویش نگاشته است که: در زمینه شناخت تأثیر و تأثر فرهنگ‌ها بر یکدیگر و شناخت میزان آن شاید رواج و گستره نفوذ واژه‌ها در یک منطقه صادق‌ترین گواه بر میزان تأثیرگذاری تمدنی بر تمدن دیگر باشد. در این مقاله تلاش شده به بررسی نفوذ واژگان فارسی در اشعار عربی عصر جاهلی و به تبع آن به بررسی نوع آن نفوذ، و نیز نقشی که

حکومت تابع ایران در رونق‌بخشی اشعار جاهلی داشت، پرداخته شود. واژه‌های دخیل پارسی در اشعار جاهلی حکایت از نفوذ دینی، اقتصادی، نظامی و سیاسی ایران پیش از اسلام در جزیره‌العرب دارد.

- مطالعه تاثیر بکارگیری یک الگوی تدریس ترکیب شده از الگوهای نوین تدریس بر یادگیری؛ جعفری ثانی حسین: وی هدف اصلی این پژوهش را مطالعه تاثیر بکارگیری یک الگوی ترکیبی بر یادگیری دانش‌آموزان در دروس فارسی، عربی و انگلیسی دوم راهنمایی می‌داند. این پژوهش شبه تجربی است، که طی دو مرحله مقدماتی و نهایی به اجرا در آمده است. مطالعه نواقص و مشکلات طرح درس‌ها و آزمون‌های ساخته شده و اصلاح آنها در مرحله مقدماتی و اجرای طرح درس‌ها در نمونه اصلی شامل بیست کلاس پایه دوم (ده کلاس بعنوان گروه آزمایشی و ده کلاس بعنوان گروه گواه) در مرحله نهایی صورت گرفته است. در اجرای پژوهش از پیش‌آزمون و آزمون نهایی و گمارش تصادفی کلاس‌های پایه دوم در هر مدرسه بعنوان آزمایشی و گواه استفاده شده است. جامعه آماری این پژوهش مدارس راهنمایی پسرانه ناحیه ۱ و ۴ آموزش و پرورش شهر مشهد می‌باشند و نمونه مورد مطالعه شامل ده مدرسه که از هر مدرسه دو کلاس پایه دوم (جمعا ۲۰ کلاس پایه دوم) به صورت خوشه‌ای انتخاب شده‌اند.

- تاثیر زبان و ادب فارسی در زبان و ادب عربی؛ راثی محسن: هرگونه داد و ستد فرهنگی و مبادله تجارب و استفاده از ثمرات عقول و افکار از لوازم و ضرورت‌های حیات معنوی هر ملت اصیل و متمدن و فرهنگ آفرین است که می‌خواهد در تاریخ استوار و پابرجا و ماندگار باشد. تاثیر متقابل زبان و ادبیات فارسی و عربی از ارمنه باستان امر بدیهی و نشانه پیوند عمیقی است به ویژه بعد از اسلام این ارتباط و تاثیر و تاثر بیشتر و وسیع‌تر گردیده درباره تاثیر عربی در فارسی کتب و مقالات فراوانی نوشته شده است. اما در زمینه تاثیر فارسی در عربی تحقیق و پژوهش شایان و به سزا به عمل نیامده است و مجال سخن بیشتر و گفتار مفصل‌تر و تحقیق عمیق‌تر را نیاز دارد. این مقاله به اجمال سعی دارد به موارد زیر اشاره کند: چگونه کلمات و لغات فارسی از پیش از اسلام و بعد از آن وارد زبان عربی شده و اسلوب و نگارش عربی تا چه اندازه تحت تاثیر فارسی قرار گرفته است مضامین حکم و امثال از متون قدیم ایرانی چگونه وارد زبان عربی شده و به چه کیفیت در نظم و نثر عرب بکار رفته است.

- بررسی تاثیر زبان عربی بر نظام واجی زبان فارسی و گونه‌های آن؛ نغزگوی کهن مهرداد: تماس زبانی یکی از عوامل مهم تغییر در زبان‌ها است. در تماس زبانی، دو یا چند زبان در مجاورت یکدیگر قرار می‌گیرند و باتوجه به عوامل اجتماعی - زبانی بر هم اثر می‌گذارند. زبان فارسی و دیگر زبان‌های ایرانی از همان آغاز گسترش در فلات ایران با زبان‌های غیرایرانی بومی این سرزمین پهناور و نیز زبان‌های اقوام مجاور در تماس بوده‌اند. زبان‌های سامی و در بین آنها زبان عربی، از زمان ورود اسلام به ایران، بیشترین تماس و در نتیجه بیشترین تاثیر را بر زبان‌های ایرانی، از جمله فارسی و گونه‌های محلی آن داشته‌اند. قسمت مهمی از این

تأثیرات، به خصوص در فارسی معیار امروز و فارسی دری قرون اولیه هجری، در حوزه واژگان و صرف صورت پذیرفته است و عناصر و انگاره‌های زبانی از لایه‌های بالای اجتماعی وارد فارسی شده است.

- بررسی تأثیر و تأثر متقابل عرب و زبان عربی و شعر فارسی در قرون نخستین هجری؛ طایفی شیرزاد، پورشبانان علیرضا: حضور اعراب در ایران و دوام این حضور تا حدود سه قرن در این سرزمین، تأثیرات فوق-العاده‌ای بر زبان و ادبیات ایرانیان و اعراب گذاشته است که اغلب پژوهشگران این امر را از زاویه‌ای منفی بازکاوی کرده‌اند؛ اما در این مقاله سعی بر آن است با دلایل کافی و از زاویه‌ای مثبت نشان داده شود که اگرچه شعر و ادبیات فارسی نمود بارزی در این دوران (قرون نخستین هجری) ندارد، نمی‌توان این مساله را دلیلی بر سکوت و خاموشی مطلق ادبیات ایران در نظر گرفت؛ چراکه در این دوران زبان و ادبیات ایران به تدریج و در حرکتی پویا و به ظاهر ناپیدا روندی رو به رشد را طی کرده است؛ بگونه‌ای که زمینه شکوفایی شعر و ادبیات فارسی در قرن‌های بعد در همین زمان پایه‌ریزی می‌شود. در این دوران اگرچه خط و زبان پهلوی به تدریج جایگاه خود را از دست داد، با گذر زمان و به موازات بروز توانمندی‌های ایرانیان، زبان فارسی متولد شد و با استفاده گسترده از خط عربی بعنوان ابزاری بسیار کارا و آسان (نسبت به سایر خطوط) که در سایه پذیرش دین مبین اسلام و استقبال شدید مردم از این آئین الهی، در بخش‌های زیادی از ایران رواج یافته بود، با حمایت سردمداران حکومت‌های نیمه مستقل، به زبان ملی ایرانیان تبدیل گردید. در واقع در این دوران ارتباط ایرانیان با اعراب با پشت سر گذاشتن فراز و نشیب‌های بسیار، از یک‌سو باعث وحدت زبانی میان ایرانیان و ۱۴۹ تمسک آنها به زبانی نو و گسترش فراگیر آن شد و از سوی دیگر با حضور طبقه خاصی از ایرانیان در گستره شعر عرب، خدمات ارزنده‌ای به زبان و فرهنگ عربی عرضه شده و زبان عربی دورانی از رشد و شکوفایی را تجربه کرد.

- تأثیر راهبردهای یادگیری زبان دوم بر فرآیند یادگیری زبان عربی؛ طاهره اختری: تحقیق حاضر به بررسی رابطه راهبردهای یادگیری زبان دوم و فراگیری زبان عربی پرداخته و نقش رشته تحصیلی و جنسیت را در کاربرد این راهبردها مشخص نموده است. به این منظور، نخست از حدود ۹۰۰ نفر از دانشجویان کارشناسی (ورودی ۸۴-۸۲) رشته‌های فلسفه و زبان و ادبیات عربی دانشگاه‌های تهران، الزهرا علامه طباطبایی، شاهد و امام صادق، تعداد ۲۸۵ نفر بطور تصادفی برای پاسخ دادن به پرسشنامه راهبردهای یادگیری زبان دوم انتخاب شدند؛ سپس نمره خام کنکور زبان عربی و نمره دانشگاهی آنها (در دروس مکالمه و قرائت متون عربی)، استخراج و ضریب همبستگی آن با نمره پرسشنامه مقایسه گردید. این مقایسه نشان داد که بین راهبردهای یادگیری و توان بالقوه یادگیری زبان عربی همبستگی وجود دارد.

## ۲- پیامدهای تأثیر و تأثر میان هر دو زبان

تأثیر و تأثر متقابل میان زبان‌های عربی و دری پیامدهای مثبت فراوانی دارد، علاوه بر آن این امر پیامدهای منفی نیز داشته است. از جمله مهمترین پیامدهای مثبت تأثیرپذیری زبان دری از زبان عربی این است که زبان عربی موجب پیشرفت و بقای این زبان همچون زبان زنده دنیا گردیده است، یقیناً زبان دری ارتباط محکمی با زبانی داشته که بقاء و جاویدانه‌گی‌اش را قرآن کریم با این گفته‌اش: (إنا نحن نزلنا الذكر و إنا له لحافظون)؛ (ما قرآن را نازل کردیم و ما یقیناً حافظ و نگهبان آن نیز می‌باشیم؛ ضمانت کرده است). همچنان زبان دری در شکوفایی، رشد و نموی زبان عربی نقش مهم و بارز داشته است، اما این مقاله به بیان پیامدهای منفی تأثیرپذیری زبان دری از عربی می‌پردازد، که این پیامدهای منفی مصادیق فراوانی داشته که ذیلاً به برخی آنها می‌پردازم.

برخی از کلمات؛ واژگان و عباراتی که ریشه عربی دارند اما عرب امروز آنها را در هنگام تکلم‌شان استعمال نمی‌کنند لذا این واژگان و عبارات متروک و مهجور گردیده‌اند. اما بعضی از دری زبانان هنگام تکلم‌شان به زبان عربی آنها را استعمال می‌کنند، ایشان فکر می‌کنند که این واژگان و عبارات هنوز در زبان عربی کاربرد داشته و مورد استعمال می‌باشند از اینرو مرتکب خطاء و اشتباه می‌شوند. چنانچه در مقدمه بیان گردید زبان‌ها قابلیت پیشرفت و انکشاف را داشته و همچنان با ضعف و اضمحلال نیز مواجه می‌گردیدند و لازم به یادآوری است که زبان همواره تمام الفاظ، واژگان و عبارات خود را در طول حیات‌اش حفظ نکرده بلکه مدتی آنها را استعمال کرده و سپس برخی آنها را استعمال نکرده و متروک می‌سازد و به عوض آنها واژگان، الفاظ و ترکیب‌های دیگری را بکار می‌برد. و شکی نیست که زبان به تجدید و نوآوری ضرورت دارد و تجدید و نوآوری زبان با ایجاد واژگان و عبارات جدید تحقیق پیدا می‌کند، در غیر این صورت هیچ زبان هر قدر که از نظر شکوفایی و قوت نیرومند باشد نمی‌تواند جوابگوی نیازمندی‌های عصر جدید باشد، لذا بر دری‌زبانانی که عربی صحبت می‌کنند لازم است تا این حقیقت را درک نموده و از استعمال واژگان و عبارات مهجور و نامأنوس در هنگام حرف زدن به زبان عربی اجتناب ورزند.

منتصر خلیل ابراهیم در مقاله‌اش که در سال (۲۰۱۲) در مجله (سر من رأی) دانشگاه سامراء تحت عنوان (الفاظ مهجور در زبان عربی) نشر گردید، کلمات زیر را مهجور و نامأنوس خوانده است.

المربع: که این کلمه عبارت از یک چهارم بخش غنیمت است که سهم رئیس قبیله در جاهلیت بوده است (مجمع اللغة العربیه، ۲۰۱۱).

النشیطه: عبارت از غنیمتی است که جنگجویان قبل از رسیدن به هدف‌شان آنرا بدست می‌آوردند (الجواهری، ۱۹۸۷).

الفضول: جمع فضل که جمع، به صورت مفرد استعمال گردیده و بر چیزی بی برکت دلالت می‌کند (الزبیدی، ۲۰۰۸).

الحلوان: که به معنای اجرت دلال و رهنما است (مجمع اللغة العربیه، ۲۰۰۱).

الجعتب: که معنای جعتب حرص است (ابن منظور، ۲۰۱۰).

علاوه بر آنچه که منتصر خلیل ابراهیم آنرا در این باب ذکر کرده است الفاظ مهجور و متروک زیادی در زبان عربی وجود دارند، که اینک به برخی از آنها می‌پردازم:

۱) ألت: که معنای آن نقصان بوده است یکی از الفاظ مهجور عربی می‌باشد که اکنون کاربرد ندارد، این واژه را حضرت عبدالرحمن بن عوف در روز شوری در کلام‌اش استعمال کرده گفت: "لا تغمدوا سیوفکم عن أعدائکم فتؤلتوا أعمالکم". ترجمه: از استعمال شمشیر بر دشمنان‌تان خودداری نکنید که در اعمال‌تان نقصان ایجاد می‌گردد.

۲) حشش: که معنای آن حرکت و جنبش بوده است. و روایت است که این واژه را حضرت علی و فاطمه نیز استعمال کرده‌اند.

۳) جاس: به معنای رفت و برگشت.

۴) الجوس: طلب چیزی به مشقت و سختی.

۵) وجس: احساس نسبت به چیزی.

۶) بهنس: به ناز و خرامان گشتن.

۷) شنخف: مرد بلند و بزرگ.

۸) الکردوم: مرد کوتاه و فربه.

۹) بیداره: اسراف در خرج و مصرف.

۱۰) بسبس: به سرعت دوید.

۱۱) أهنف: آمادگی برای گریه کردن.

۱۲) أتراب: هم سن و سالان.

علاوه بر واژه‌ها و الفاظ مهجور در زبان عربی عبارات و جملات مهجور و متروک چون (القتل أنفی للقتل) ترجمه: قتل بهترین بازدارنده قتل است. نیز وجود دارد این مثال یکی از عبارات مهجوری است که در عصر جاهلی مستعمل بوده و کاربرد داشته است اما با آمدن اسلام مهجور گردیده است و اسلام به عوض آن عبارت: (و لکم فی القصاص حیاة) ترجمه: (قصاص تضمینی برای زندگی شما می‌باشد) را که بهتر از آن است عنوان کرد.

۱) و همچنان در زبان عربی علاوه بر آنکه واژگان متروک و مهجور وجود داشته واژگان و کلمات نامانوس که معانی آنها به آسانی درک نمی‌شوند نیز وجود دارند. این نوع واژگان، ریشه عربی داشته اما عرب بخاطر نامانوس بودن آنها، آنها را ترک نموده و مورد استفاده قرار نمی‌دهند، که می‌توان واژه‌های (التکاکو) و (الافرنقاع) که معنای آنها به ترتیب (تجمع و دور شدن) است از قبیل کلمات نامانوس خواند، این دو واژه را عیسی بن عمر و نحوی در سخنان‌اش هنگامی که از بالای مرکب‌اش به زمین افتاد و مردم به اطراف او جمع شدند استعمال نمود. وی گفت: (مالکم تکاکاتم علی کتکاککم علی ذی جنه افرنقعا عنی) چه شده است که در اطرافم جمع شده‌اید چنانچه در اطراف دیوانه‌ها تجمع می‌کنید از کنار من دور شوید (مجمع اللغه العربیه، ۲۰۱۱).

۲) کلمات که در میان هر دو زبان کاربرد دارند: برخی از واژگان و عبارت‌ها وجود دارند که ریشه عربی داشته و همزمان در هر دو زبان کاربرد دارند، اما بعضی از دری زبانان فکر می‌کنند که این واژگان و عبارات صرف در زبان عربی کاربرد دارند نه در زبان دری، در حالیکه اینها به یک معنی در هر دو زبان کاربرد داشته و استعمال می‌گردند. بعنوان نمونه برخی از دری زبانان فکر می‌کنند که ترکیب (تحصیل علمی) و واژگان (مخفی و ترتیبات) امروزه در زبان عربی کاربرد ندارند، در حالیکه حقیقت چیزی دیگری است بلکه این واژگان و الفاظ در هر دو زبان به یک معنی استعمال می‌گردند. بطور مثال: لفظ (ترتیبات) در جمله مفیده عربی زیر بکار رفته است: (اتفق المجلس العسكري وقوى الحریه و التغيير فی السودان علی ترتیبات تشکیل الحکومه المدنیه) و واژه (مخفی) در متن عربی زیر استعمال شده است (فی القرن السادس ضرب زلزال مدینه صور، وأدی إلى تدمیرها غرقت المدینه تحت الأرض، ثم صارت مدینه ثانیة مخفیة تحت البحر) و همچنان ترکیب تحصیل علمی به همان معنای دری‌اش در عبارت مفید عربی ذیل بکار رفته است: (تبیین المؤشرات إلى أن ارتفاع معدلات التحصیل العلمی یمکن أن یؤدی إلى خفض مخاطر النزاع الداخلي).

۱۵۲

۳) کلماتی که ریشه دری دارند و در زبان عربی مورد استعمال قرار می‌گیرند: برخی از واژگان وجود دارند که ریشه دری داشته و در زبان عربی استعمال می‌گردند. در حقیقت این واژگان دری، معرب گردیده‌اند. و در زبان عربی معادل این واژگان دری نیز وجود دارند اما امروز اکثرا عرب از این واژگان معرب دری استفاده می‌کنند و الفاظ و واژگان اصیل عربی را استعمال نمی‌کنند. اما دری زبانان هنگامی که عربی صحبت می‌کنند در این زمینه به دو مجموعه تقسیم می‌گردند.

**گروه اول:** این گروه بدون اینکه بدانند که در زبان عربی معرب دری این واژگان نیز کاربرد داشته این واژگان را در هنگام حرف زدنشان به عربی، استعمال می‌کنند. از اینرو در اشتباه قرار می‌گیرند، و **گروه دوم:** می‌دانند که در زبان عربی برای این معانی و مفاهیم واژگان معرب فارسی دری وجود دارند اما آنها ترجیح می‌دهند تا کلمات و واژگان اصیل عربی را در هنگام حرف زدن استعمال نمایند زیرا آنها فکر می‌کنند که عرب استعمال واژگان عربی را در اینجا ترجیح می‌دهند، و این زعم‌شان چنانچه قبلا تذکر دادم خطا می‌باشد.



یحی معروف می‌گوید: «بسیار اتفاق افتاده که واژگان معرب، قبل از تعریب، معادل عربی داشته‌اند، اما به دلیل استعمال فراوان واژه معرب، معادل‌ها کارآیی خود را از دست داده و تعریب آنها شایع می‌شود».

جدول (۱) زیر چند نمونه از واژگان معرب زبان دری که در زبان عربی بیشتر از واژگان اصیل عربی کاربرد دارند را نشان می‌دهد:

شماره	واژه دری	معادل عربی	معرب واژه
۱	ناوه	المنصب	المیزاب
۲	نارنج	المتک	الأترج
۳	یاسمین	السمسق	الیاسمین
۴	بادنجان	الحدج	الباذنجان
۵	آفتابه	التاموره	اللابریق
۶	هاون	المهراس	الهاون
۷	توت	الفرصاد	التوت
۸	کوسه	اللائط	الکوسج
۹	لوبیا	الدجر	اللوبیا
۱۰	بادرنگ	القتد	الخیار
۱۱	درویش	الفقیر	الدرویش
۱۲	یاور	المساعد	الیاور

(۴) گاهی در زبان عربی برای برخی از معانی و مفاهیم از خود آن زبان اسما و واژگان وجود ندارد، بلکه زبان عربی در این زمینه از الفاظ و واژگان سایر زبان‌ها به ویژه زبان دری استفاده می‌کند، بعنوان نمونه زبان عربی برای واژگان زبان دری که ذیلاً به آنها اشاره می‌گردد الفاظ و واژگان معادل وضع نکرده است. **الف زنجبیل:** که این واژه ریشه دری داشته و آن عبارت از کلمه (زنجفیل) می‌باشد، و قرآن کریم نیز این واژه را استعمال کرده است. چنانچه می‌گوید: (ویسقون فیها كأساً کان مزاجها زنجبیل) (مجمع اللغة العربیه، ۲۰۱۱).

**ب) لجام:** این واژه در زبان عربی ریشه و اساس نداشته بلکه ریشه دری دارد (همان).

**ج) دیباج:** این واژه به یک نوع جامه دلالت می‌کند که فارسی معرب است (الجواهری، ۱۹۸۷).

**د) الیرندج:** که به پوست سیاه دلالت کرده و صاحب صحاح فی اللغة از ابی عبید نقل می‌کند که اصل این واژه فارسی دری است.

هـ) النبروز: که نیروز یا نوروز اولین روز سال شمسی بوده و این واژه فارسی می‌باشد (مجمع اللغة العربیه، ۲۰۱۱).

و) الفرند: به کسر فاء و راء به معنای شمشیر یا جوهر آن می‌باشد.

ز) الأرنج: این واژه به معنای پوست سیاهی است که از آن بوت ساخته می‌شود (همان).

و همچنان زبان عربی الفاظ و واژگان برای اشیاء و مسمیات جدید چون واژگانی که ذیلاً آن اشاره می‌گردد وضع نکرده است. انترنت، نیکل، آکسیجن، پوتاشیم، نایتروجن و غیره، از اینرو گاهی برخی از دری زبانان زمانی که بخواهند نام‌های این اشیاء را یاد کنند فکر می‌کنند که عرب برای این اشیاء در زبان‌شان اسماء و واژگان وضع نموده‌اند زیرا به زعم آنها نمی‌شود که زبان عربی با این بزرگی و گستردگی به تمام معانی و مفاهیم نام‌ها و واژگان وضع نکرده باشد، از اینرو آنها در صحبت‌هایشان به زبان عربی این واژگان معرب را استفاده نکرده و تلاش می‌ورزند تا به این معانی و مفاهیم، الفاظ و واژگان عربی دریابند لیکن با وجود همه تلاش‌ها به هدف‌شان نمی‌رسند، زیرا زبان عربی یا به این مفاهیم اسماء و واژگان وضع نکرده و یا هم اسماء دال بر این مفاهیم را از سایر زبان‌ها به زبان عربی ترجمه نکرده بلکه به تعریب آنها اکتفا ورزیده است.

۵) گاهی در زبان‌های عربی و دری کلمات و واژگان مشترک دیده می‌شود که آنها ریشه عربی دارند و به حروف، حرکات و سکنات همسان در هر دو زبان نوشته می‌شوند، اما معانی و مفاهیم هر کدام این واژگان مشترک در هر یکی از دو زبان متفاوت می‌باشد، بسیاری از اوقات دری زبانان در هنگام صحبت کردن به زبان عربی در استعمال این واژگان مرتکب اشتباه می‌شوند، و فکر می‌کنند که این واژگان در هر دو زبان معانی همسان دارند.

۱۵۴

جدول ۲) زیرمجموعه از واژگان مشترک میان هر دو زبان و اختلاف معانی آنها را در هریک از این دو زبان نشان می‌دهد:

شماره	واژه	معنای دری	معنای عربی
۱	مخابرات	اداره مخابرات و تکنالوژی معلومات	اداره امنیت
۲	تقلیدی	تقلیدی	قدیمی، یا سنتی
۳	میمون	حیوان مشهور	مبارک
۴	ناظر	نظار تگر	ناظم مدرسه
۵	رسوم	رسم و رواج	فیس، نقاشیها
۶	شراب	نوشابه الکلی	هرنوشیدنی
۷	مکتب	مدرسه	دفتر کار
۸	ملت	مردم	دین

عقب ماندگی	خلاف ورزی	تخلف	۹
چابکی	شادمانی	نشاط	۱۰
کارمند	مکلف	موظف	۱۱
چینه دان	صبر	حوصله	۱۲
سبب ها	وسایل	اسباب	۱۳
عکس	چهره	صورت	۱۴
پست	بخیل	خسیس	۱۵
اجتماع	محل مسکونی	مجتمع	۱۶
چرخانیدن	مؤسسه	اداره	۱۷
گروهی از مردان	شخص	نفر	۱۸
بلند منزلت	بد	غالی	۱۹
روشنای	برق	برق	۲۰
تحریک	نگرانی	دغدغه	۲۱
برعکس	تصویر	عکس	۲۲
جنایتکار	گنکار	مجرم	۲۳
مصالحه برای خوشگوار ساختن غذا	فصل بهار	بهار	۲۴
سراینده	مسئول اداره	ناظم	۲۵
قاشق	عظمت	شوکت	۲۶
بانک	استفاده کردن	مصرف	۲۷
تفریح کردن	خواب	استراحت	۲۸
پروژه	جائز علمی و مطالعات فرهنگی	مشروع	۲۹
تکیه کردن	باور	اعتماد	۳۰
عادت کردن	معتاد شده	اعتیاد	۳۱
هدایات و رهنمایها	تدریسات	تعلیمات	۳۲
مشغول ساختن چیزی	تهاجم و تجاوز	إشغال	۳۳
امادگی	توانایی	استعداد	۳۴
توجه کننده	طمع کننده	حریص	۳۵
اطرافیان مسؤولین	حاشیه کتاب	حاشیه	۳۶
گذشت از کنار چیزی	ظلم و ستم	تجاوز	۳۷
سرچشمه آب	مثال	مورد	۳۸

بسیار یا زیاد	چرک یا ناپاک	کثیف	۲۹
وظایف، پست ها	اسلحه	مهمات	۴۰
حالات	ظرف ها	ظروف	۴۱
کارمند تصفیه نقره در معدن	محصل دانشگاه	محصل	۴۲
انتفاع	استعمار	استثمار	۴۳
گردش به هر طرف	فریب	تقلب	۴۴
مقدمه، یا زمینه سازی	مکر، و فریب	توطئه	۳۵
دیدگاه یا نظر	جایگاه	موقف	۴۶
چوچه انسانها و حیوانات	زر	طلا	۴۷
کامیابی، غلبه	غضب	قهر	۴۸
کودتا	تغییر نظام توسط مردم	انقلاب	۴۹
ارشاد و دعوت	تبریر	توجیه	۵۰
اجبار	احتمال	فرض	۵۱

۶) برخی از واژگان مشترک میان زبان‌های عربی و دری وجود دارند که اصلاً ریشه عربی نداشته اما به حروف و حرکات و سکنات همسان در هر دو زبان نوشته می‌شوند، لیکن هر واژه از این واژگان در هر یک از این دو زبان که استعمال می‌شود ریشه و اساس در خود همان زبان دارد و هیچکدام آنها از زبان دیگری گرفته نشده است، و همچنان معنای هر کدام این واژه در هر دو زبان متفاوت است. بطور مثال: واژگان: سرد، زخم، زبون و تخم و غیره، هر کدام اینها در زبان عربی یک معنی و در زبان دری معنای دیگری دارند. اما برخی از دری زبان‌ها در هنگام حرف زدن شان به عربی موضوع را خلط کرده و دچار مشکل می‌شوند بنحویکه احیاناً در استعمال عربی برداشت معنای دری و در استعمال دری مفهوم و معنای عربی از آنها می‌گیرند.

جدول (۳) اختلاف معانی هریک از این واژگان را در هر دو زبان بیان می‌کند.

شماره	واژه	معنای دری	معنای عربی
۱	سرد	سردی، ضد گرم	سرد سخن یعنی روایت سخن (عمر، ۲۰۰۸)
۲	زخم	جرح	دفع و طرد و نیز به معنای بوی بد آمده است (ابن منظور، ۲۰۱۰).
۳	زبون	ذلیل و خوار	مشتری، خریدار
۴	تخم	دانه	یک نوع مرضی است که در اثر پرخواری و یا خوردن طعام نامناسب به میان می‌آید (مجمع اللغة العربیه، ۲۰۱۱)

پوست	نسل (دهخدا ماده: ق ش ر)	قشر	۵
چک گرفتن	محفل (عمید ب ز م)	بزم	۶

۷) و احيانا برخی از لقب‌ها، پست‌ها و وظائف اداری مشترک میان هر دو زبان می‌باشند که اساساً ریشه عربی داشته و به حروف، حرکات و سکانات همسان در هر دو زبان نوشته می‌شوند، اما احيانا جای و مکان استعمال این القاب و پست‌ها در هریک از این دو زبان متفاوت می‌باشند، لیکن بعضی از دری زبان‌ها فکر می‌کنند که این القاب و وظائف در جاهایی که در زبان دری بکار می‌روند در زبان عربی نیز در همان جاها و اماکن استعمال می‌گردند، که این زعم‌شان عاری از حقیقت بوده از اینرو در اشتباه قرار می‌گیرند.

بطور مثال لقب: (وزیر) در هر دو زبان برای شخصی که امور وزارت به دوش آن است استعمال می‌گردد، در حالیکه استعمال القابی چون: (رئیس، مدیر و آمر) در هر یکی از این دو زبان متفاوت می‌باشد.

مثلاً: در زبان دری برای شخصیکه امور دانشگاه را به پیش می‌برد رئیس دانشگاه گفته می‌شود، در حالیکه در زبان عربی به آن شخص لقب (مدیر) استفاده می‌گردد. و همچنان در زبان دری شخصیکه ریاست دانشکده را به عهده دارد لقب رئیس برایش استفاده می‌شود اما در زبان عربی به این شخص لقب (عمید) خطاب می‌شود و برای شخصی که امور دیپارتمنت را عهده‌دار است در زبان دری لقب آمر استعمال می‌گردد در حالیکه به این شخص در زبان عربی لقب (رئیس) خطاب می‌گردد.

۸) و گاهی برخی از دری زبان‌ها در هنگام تکلم به زبان عربی با مشکلات در استعمال برخی از ترکیب‌های مشترک میان هر دو زبان که از نظر ترتیب در هر دو زبان با هم تفاوت دارند مواجه می‌گردند. بدون شک تقدیم و تأخیر کلمات در ترکیب‌ها امری است که به قواعد هر زبان تعلق دارد. و معقول و منطقی نیست که قواعد یک زبان بر زبان دیگر تحمیل گردد. بعنوان نمونه: عرب وزارت تربیه و تعلیم می‌گویند آنها واژه تربیه را بر تعلیم در این ترکیب مقدم می‌نمایند در حالی که افغان‌های دری زبان وزارت تعلیم و تربیه می‌گویند اینها کلمه تعلیم را بر تربیه مقدم می‌نمایند. و اگر دری زبان‌ها، در هنگام صحبت کردن به عربی وزارت تعلیم و تربیه بگویند بدون شک که اشتباه می‌کنند. و مانند ترکیب گذشته ترکیب (ماء الورد)، عربی می‌باشد. و اگر دری زبان‌ها در تکلم‌شان به زبان عربی (ورد الماء) بگویند چنانچه ترتیب به همین شکل در زبان دری می‌باشد اشتباه می‌کنند. در زبان دری ترجمه این ترکیب عربی (گلاب) می‌باشد که واژه گل در این ترکیب مقدم بر واژه آب است در حالیکه در زبان عربی عکس آن درست می‌باشد.

۹) یکی از اشتباهاتی که برخی از دری زبان در هنگام حرف زدن به زبان عربی مرتکب آن می‌گردند، همانا فهم معانی اسم‌های ملحق به مثنی و استعمال درست آن می‌باشد. ملحق به مثنی اسمی است که از نظر شکل

و اعراب مانند مثنی بوده لیکن فاقد برخی از شروط مثنی می‌باشد، ابن‌عقیل مثنی را چنین تعریف می‌کند: (مثنی لفظی است که به دو چیز دلالت کرده و در آخرش زیادت وجود داشته و نیز قابل تجرید و عطف مثلش به آن می‌باشد). و آنچه که به دو چیز دلالت کرده و در آخر خود زیادت داشته لیکن تعریف مثنی بر آن صادق نباشد آن مثنی نه بلکه ملحق به آن می‌باشد. اما برخی از دری زبانان فکر می‌کنند که گویا میان مثنی و ملحق به آن در معنی کدام فرقی وجود ندارد درحالیکه این پندار کاملاً غلط بوده زیرا این هر دو با هم در معنی، تعریف و استعمال کاملاً فرق دارد. اگر به تعریف ابن‌عقیل دقت نمائیم در می‌یابیم که وی در تعریف مثنی برای آن سه قید ذکر کرده است، و با ذکر قید اول که آن عبارت از دلالت آن بر دو چیز می‌باشد، اسمی که در آخر آن زیادت مثنی وجود داشته اما به مثنی دلالت نمی‌کند از تعریف آن خارج می‌شود، و آن اسمی است که به یک یا سه و بالاتر از آن دلالت می‌کند، و مثال آنچه که از صفات با زیادت به واحد دلالت می‌کند شعبان، جوعان، سکران و غیره بوده، و مثال آن از اسم‌های خاص چون: عثمان، حسان و غیره می‌باشد. و با ذکر قید دوم (قابل تجرید) کلمه چون: (اثنان) از تعریف مثنی خارج می‌گردد، زیرا این واژه قابل تجرید نمی‌باشد. و با ذکر قید سوم (عدم قابلیت عطف مثل بر آن) کلماتی چون (قمران) از تعریف مثنی خارج می‌شود، زیرا بر این واژه و امثال آن مثل آنها نه بلکه مغایر آنها عطف می‌گردد. بعنوان نمونه: مراد از قمران دو مهتاب نه بلکه آفتاب و مهتاب می‌باشد، اما برخی از دری زبانان در هنگام حرف زدن به عربی گمان می‌کنند که معنای قمران دو مهتاب و معنای عمران دو عمر و معنای ابوان دو پدر و معنای صفران دو صفر می‌باشد بلکه مراد از قمران چنانچه گفته شد آفتاب و مهتاب و مراد از عمران ابوبکر و عمر و مراد از ابوان پدر و مادر و مراد از صفران محرم و صفر می‌باشد لذا آنها با این پندار غلط از مفهوم اسم‌های ملحق به مثنی دچار مشکل در فهم و استعمال آن می‌گردند.

۱۵۸

ملاحظه: فهم معانی اسم‌های ملحق به مثنی یک امر دشوار می‌باشد، زیرا این اسم‌ها تابع کدام قاعده مشخص نبوده بلکه اکثریت آنها سماعی می‌باشند، از اینرو انسان نمی‌تواند در فهم معانی آنها صرف به حافظه خود تکیه نماید. بلکه بروی لازم است تا در زمینه به فرهنگ‌ها و لغت‌نامه‌های عربی مراجعه نماید (معروف، ۱۳۸۶: ۹۸).

۱۰) برخی از واژگان مشترک میان زبان‌های عربی و دری وجود دارند که ریشه عربی داشته و به یک نوع حروف، حرکات و سکنات در هر دو زبان نوشته می‌شوند، لیکن اکثراً این واژگان در زبان عربی کاربرد لغوی و در زبان دری کاربرد اصطلاحی دارند، و این امر موجب شده تا برخی از دری زبانان در هنگام تکلم‌شان به زبان عربی در استعمال چنین واژگان دچار مشکل شوند. برای نمونه اکثراً واژه (مجتهد) در عربی به کسی خطاب می‌گردد که در انجام کاری سعی و تلاش زیاد به خرج دهد، مثلاً گفته می‌شود: (أحمد طالب مجتهد) ترجمه: احمد یک محصل کوشا و پرتلاش می‌باشد. لیکن زمانی که این واژه را در زبان دری استعمال می‌کنیم مسأله

کاملاً متفاوت می‌گردد، بطور مثال در زبان دری می‌گوئیم: (احمد مجتهد است). در اینجا واژه مجتهد به معنای مجتهد در دین و فقه و شخصی که به استنباط احکام و مسائل فقهی می‌پردازد دلالت می‌کند. ملاحظه: واژه (مجتهد) لفظی مشترک میان زبان‌های عربی و فارسی در فقه اسلامی می‌باشد، و به فقیهی که دارای شروط اجتهاد برای استنباط احکام فقهی از منابع دین مبین اسلام باشد گفته می‌شود (محقق داماد، ۱۳۹۷: ۳۵). و همچنان واژه: (استیضاح) در زبان عربی به مفهوم لغوی آن که همانا طلب وضاحت است بکار می‌رود، در حالیکه این واژه در زبان دری به معنای اصطلاحی‌اش که همانا رد صلاحیت یکی از مسئولین عالی رتبه دولتی از طرف مجلس نمایندگان می‌باشد استعمال می‌گردد. و نیز واژه (اداره) در زبان دری به معنای اداره دولتی استعمال می‌گردد، اما این واژه در زبان عربی اگر در کنار کلمه آمریکا استعمال گردد معنای دولت را ارائه می‌کند، مانند: (الإدارة الأمريكية) یعنی: دولت آمریکا (ناظمیان، ۱۳۸۱: ۹۲).

از اینرو بر دری زبانان لازم است تا در هنگام این نوع واژگان در زبان عربی میان معانی لغوی و اصطلاحی آنها خلط ننمایند.

(۱۱) و همچنان تعدادی از واژگان مشترک میان هر دو زبان وجود دارند که ریشه عربی داشته، اما در زبان دری به معنای اصلی و اولی خود و در زبان عربی به معنای ثانوی استعمال می‌گردد (رمضان، ۲۰۱۷: ۱۲). لذا عده زیادی از دری زبانان در استعمال این نوع واژگان در هنگام تکلم به زبان عربی مرتکب اشتباه می‌گردند. بعنوان نمونه: واژه: (متن) در زبان دری صرف به معنای اصلی‌اش که همانا (متن کتاب) می‌باشد بکار می‌رود، ۱۵۹ در حالیکه این واژه در زبان عربی علاوه بر این معنی به ثانوی‌اش نیز استعمال می‌گردد. بطور نمونه در زبان عربی (متن الطائره) گفته می‌شود مثلاً می‌گوئیم: (جئت السنه الماضیه من دوله الكويت علی متن طائره الخطوط الجویة الكويتیه إلى مطار کابل الدولی). ترجمه: من سال پار از کویت سوار بر طیاره خطوط هوایی کویتی تا میدان هوایی بین‌المللی کابل آمدم.

و به همین ترتیب واژه (طرح) در هر دو زبان استعمال می‌گردد، اما در زبان دری صرف به معنای اصلی و اولی‌اش که همانا (طرح موضوع و مسأله) می‌باشد استعمال می‌شود، لیکن این واژه در زبان عربی علاوه بر معنای اصلی‌اش به معنای ثانوی نیز استعمال می‌گردد. بطور مثال لفظ (طرح) در عربی به معنای ثانوی مختلف چون: دور کردن، وسعت دادن، نقص و غیره استعمال می‌گردد.

و نیز واژه (توجیه) در هر دو زبان کاربرد داشته اما در زبان دری تنها به معنای اولی و اصلی‌اش که همانا تفسیر و تأویل است استعمال شده، لیکن در زبان عربی به این معنی و سایر معانی ثانوی نیز استعمال می‌گردد (الرازی، ۱۸۷۳).

۱۲) و همچنان در زبان عربی واژگان و کلمات زیادی وجود دارند که به حروف همسان نوشته شده اما با هم در حروف حرکات و سکنات اختلاف دارند، و لذا با در نظر داشت اختلاف در حرکات و سکنات معانی آنها نیز باهم متفاوت‌اند، لیکن برخی از دری زبانان در هنگام بکارگیری از این نوع واژگان در زبان عربی دچار مشکل می‌شوند، زیرا آنها فکر می‌کنند که تغییر حرکات و سکنات موجب تغییر در معانی این نوع واژگان نخواهد شد.

جدول ۳) زیرمجموعه از این نوع کلمات را نشان می‌دهد:

واژه	معنی	واژه مشابه	معنی
عَبْرَةٌ	اشک	عَبْرَةٌ	پند و نصیحت
خَطْب	مصیبت	خُطْب	جمع خطبه
عدد	شمارش	عُدَد	جمع عدّه بمعنای آمادگی
جَد	پدر کلان	جَد	تلاش
بِر	نیکویی	بِر	صحرا
عَرَق	عرق	عَرَق	نسب
أَحَد	یک	أَحَد	کوه احد

۱۶۰

۱۳) گاهی برخی از دری زبانان بخاطر عدم آگاهی از تغییر در مفهوم برخی از واژگان عربی که ایجاد شده دچار اشتباه می‌شوند، زیرا گاهی بعضی از واژگان به لحاظ سیاسی، یا اجتماعی، و یا هم فرهنگی دچار تغییر معنایی و مفهومی می‌شوند. مثلاً واژه (خاتم) در قدیم به معنای مهر اوراق استعمال می‌گردید، اما این واژه امروز این مفهوم‌اش را از دست داده و صرف به معنای انگشتر استعمال می‌گردد (رمضان، ۲۰۱۷: ۱۴۴).

و همچنان لفظ (حاجب) در قدیم بمعنای صدر اعظم استعمال می‌گردید اما امروز صرف به معنای ابرو استعمال می‌گردد (جوزیف، ۲۰۱۴: ۲۶۶).

و همچنان لفظ "الفاطره" در گذشته به مجموعه از شتران دلالت می‌نمود، سپس مفهوم این واژه تغییر کرده و هم اکنون به لکوموتیو یا قطار دلالت می‌کند. و نیز لفظ "کفر" در گذشته به معنای پوشش استعمال می‌گردید مثلاً در گذشته کافر برای کسی گفته می‌شد که خود را با لباس جنگی و سلاح می‌پوشانید، و نیز عرب در گذشته لفظ کافر را به شب تاریک اطلاق می‌نمودند زیرا شب تاریک با تاریکی‌اش همه چیز را می‌پوشاند. "تاج العروس ماده: ک ف ر". و همچنان عرب در قدیم برای بحر نیز کافر می‌گفتند زیرا بحر نیز همه آنچه را که در آن است می‌پوشاند. و بدین ترتیب آنها برای دهقان و زارع به خاطر زیر خاک کردن دانه‌ها و حیوانات



توسط آنها، کافر می‌گفتند (همان). اما امروز واژه کفر در ادبیات دینی اسلامی مفهوم جدید پیدا کرده است که آن بی‌دینی می‌باشد، از این‌رو کافر در معنای جدیداش به شخص بی‌دین خطاب می‌گردد (السامرائی، ۱۹۷۱: ۹۲).

و نیز عبارت عربی (فلان بلغ) در قدیم به مفهوم سن بلوغ استعمال می‌گردید اما امروز این فاقد این مفهوم می‌باشد (رمضان، ۱۹۹۵: ۱۹۱).

۱۴) در زبان عربی واژگانی وجود دارند که مشترک لفظی نامیده می‌شوند، و هر کدام از این واژگان بیشتر از یک معنی دارد، زکریا بن محمد انصاری مشترک لفظی را چنین تعریف می‌کند: «مشترک لفظی آن است که به دو معنی و یا بیشتر از آن وضع شده باشد، مانند: لفظ: قرء که برای معناهای طهر و حیض وضع شده است (انصاری، ۱۴۱۱: ۵۳). و زبیدی در مقدمه تاج‌العروس در تعریف مشترک لفظی گفته است: مشترک لفظی عبارت از لفظی است که به دو معنای مختلف و یا بیشتر از آن نزد اهل همان زبان دلالت یکسان دارد. دوکتور مولای ادریس میمونی در مقاله خود تحت عنوان: «قضایا الدلالة فی اللغة العربیة بین الأصولیین و اللغویین» می‌گوید: که سیوطی برای لفظ "هدی" در قرآن کریم هفده معنی ارائه کرده است. که ذیلا ذکر می‌گردد:

- ۱- به معنای ثبات؛ ۲- بیان؛ ۳- دین؛ ۴- ایمان؛ ۵- دعا؛ ۶- پیامبران و کتاب‌ها؛ ۷- معرفت؛ ۸- محمد صلی‌اله علیه و سلم؛ ۹- قرآن و تورات؛ ۱۰- استرجاع؛ ۱۱- حجت؛ ۱۲- توحید؛ ۱۳- اصلاح؛ ۱۴- سنت؛ ۱۵- الهام؛ ۱۶- توبه؛ ۱۷- ارشاد.

ملاحظه: تفکیک و تعیین معنای مشخص از معانی متعدد برای واژه از واژگان مشترک لفظی از طریق سیاق و فحوای کلام بدست می‌آید.

لیکن بعضی از دری‌زبانان برخی از معانی این نوع کلمات را می‌دانند و برخی دیگر را نمی‌دانند، از این‌رو در استعمال و مفهوم اینها دچار مشکل می‌شوند، بطور مثال واژه (نائب) در زبان عربی علاوه بر اینکه به معنای معاون و باور استعمال می‌شود به معنای وکیل یا عضو پارلمان یا مجلس نمایندگان نیز بکار می‌رود (معلوف، ۱۳۸۰).

۱۵) یکی از اشتباه‌های جدی برخی از دری‌زبانان این است که آنها در هنگام حرف زدن به زبان دری به استعمال بیش از حد واژگان و الفاظ عربی مبادرت ورزیده و افراط می‌کنند، و حتی به استعمال واژگان و کلمات عربی می‌پردازند که در زبان دری کاربرد نداشته و نامأنوس می‌نمایند، در حالیکه زبان دری در برابر هریک از این واژگان عربی معادل دقیق داشته که مفاهیم آنها را به درستی ارائه می‌توانند.

این امر بیانگر تأثیرپذیری منفی زبان دری از عربی بوده که زبان دری را با استفاده بیجا و بی‌رویه از واژگان زبان عربی به ابتدال می‌کشاند. بعنوان نمونه برخی از دری‌زبانان به جای واژه: مذاکرات، مفاوضات و به عوض واژه: مقاومت، انتفاضه و به عوض واژه: زیاد، مکثف، و به جای واژه: تلاش و کوشش، محاوله، و بجای واژه: اشغال، احتلال، و به عوض: تجدید چاپ، اعاده طبع، و به عوض: سرزمین‌های اشغالی، سرزمین‌های مقبوضه و غیره را استعمال می‌نمایند.

یحیی معروف در کتاب خود بنام فن ترجمه به این مساله پرداخته می‌گوید: "امروزه متأسفانه استفاده نابجا از الفاظ عربی در زبان فارسی بسیار متداول شده است. در یکی از کتاب‌های دینی دوره راهنمایی جمله بدین عنوان به چشم می‌خورد: "چگونه کظم غیظ کنیم؟" در حالیکه نویسنده می‌توانست به جای آن از واژگان فارسی "چگونه خشم خود را فرو بریم؟" استفاده کند. این افراط و تفریط موجب شده جمعی به طرفداری از زبان فارسی به زدودن واژگان عربی رایج در فارسی بپردازند و به خلق واژگانی همت گمارند که خود نیازمند تفسیر و توجیه است.

### نتیجه‌گیری

در جریان تحریر این مقاله به نتایجی دست یافتیم که ذیلا به آنها اشاره می‌گردد: ۱۶۲

(۱) بدون شک زبان دری شدیداً از زبان عربی متأثر می‌باشد، و این تأثیرپذیری در قرض گرفتن حروف و واژگان از زبان عربی محدود نبوده بلکه شامل موضوعات و اسالیب در سطوح مختلف زبانی می‌گردد. لازم به یادآوری است که این تأثیر باعث پیشرفت و شکوفایی زبان دری گردیده است، و نیز دریافته‌ایم که بیشترین میزان تأثیر را از زبان عربی نسبت به هر زبان دیگر زبان دری داشته است و همچنان دریافته‌ایم که زبان عربی متقابلاً از زبان دری متأثر می‌باشد و این تأثیر به وام‌گیری واژگان از دری محدود نبوده بلکه زبان عربی بگونه جدی از دری متأثر بوده و حتی این زبان به ساختن افعال از اسم‌های جامد دری مبادرت ورزیده است.

(۲) تأثیرپذیری و تأثیرگذاری میان این دو زبان منجر به نزدیکی هر دو زبان گردیده است که این مسأله پیامدها و تبعات مثبت فراوان داشته و نیز دارای پیامدها و تبعات منفی می‌باشد.

(۳) این مقاله برخی از جوانب منفی تأثیر زبان دری از عربی را معالجه می‌نماید و این تأثیرات منفی مصادیق فراوان داشته که ذیلا به برخی آنها می‌پردازم:

الف) اشتباه برخی از دری‌زبانان بخاطر استعمال واژگان مهجور، ناآشنا و متروک عربی در هنگام حرف زدن به زبان عربی به گمان اینکه اینها واژگان زنده و مستعمل در زبان عربی می‌باشند، مانند واژه "اتراب" که از واژگان مهجور عربی است، اما دیده شده که این واژه را برخی از دری‌زبانان همچون واژه زنده عربی استعمال می‌نمایند.

ب) اشتباه آنها بخاطر عدم استعمال کلمات و واژگان مستعمل عربی به گمان اینکه این واژگان، واژگان عربی نه بلکه واژگان اصیل زبان دری‌اند، مانند واژه "مخفی" که یک واژه مستعمل عربی است، اما برخی از دری‌زبانان فکر می‌کنند که این واژه دری است نه عربی.

ج) اشتباه‌شان در عدم استعمال واژگان معرب دری در هنگام حرف زدن به زبان عربی مانند: واژه "میزاب" و غیره به گمان اینکه این واژگان در زبان عربی کاربرد ندارند در حالیکه حقیقت عکس این مساله است.

د) اشتباه‌شان در عدم استعمال واژگان معرب دری در هنگام حرف زدن به زبان عربی مانند: واژه "میزاب" و غیره به گمان اینکه این واژگان در زبان عربی کاربرد ندارند در حالیکه حقیقت عکس این مساله است.

ه) اشتباه آنها بخاطر عدم فهم معانی برخی از واژگان مشترک میان هر دو زبان که به یک نوع حروف و حرکات چون: مخابرات، تقلیدی و غیره نوشته می‌شوند اما مفاهیم متفاوت را در هر دو زبان ارائه می‌کنند.

و) اشتباه آنها در عدم رعایت ترتیب واژگان برخی از ترکیب‌های مشترک میان هر دو زبان.

ز) اشتباه آنها در فهم معانی واژگان مشترک و مستعمل در هر دو زبان که به یک نوع حروف و حرکات نوشته می‌شوند اما هر کدام از این واژگان در خود همان زبان اصالت داشته و هیچ یک از این واژگان از زبان دیگری گرفته نشده است، و نیز هر کدام آنها در هر دو زبان مفاهیم متفاوت دارند، مانند واژگان: زخم، سرد و غیره.

ح) اشتباه آنها در استعمال واژگان دال بر مناصب، القاب و وظایف مشترک و مستعمل در هر دو زبان، چون ریاست، مدیریت و غیره.

۱۶۳

ط) اشتباه آنها در تفکیک معانی و استعمال درست اسم‌های ملحق به مثنی در هنگام حرف زدن در عربی.

ی) اشتباه آنها در فهم معانی واژگان مشترک میان هر دو زبان که در زبان عربی کاربرد لغوی و در زبان دری کاربرد اصطلاحی چون واژه‌های: مجتهد، استیضاح و غیره دارند.

ک) اشتباه آنها در فهم معانی واژگان مشترک میان هر دو زبان که در زبان عربی کاربرد لغوی و در زبان دری کاربرد اصطلاحی چون واژه‌های: مجتهد، استیضاح و غیره دارند.

ل) اشتباه آنها در فهم معانی واژگان مشترک میان هر دو زبان که در زبان دری به معنای اصلی و اولی و در زبان عربی به معنای ثانوی چون واژگان: متن، طرح و غیره استعمال می‌گردند.

م) اشتباه در فهم مفاهیم واژگان عربی که به یک نوع حروف نوشته شده اما در حرکات و معنی تفاوت دارند.

ن) اشتباه آنها در فهم و استعمال برخی از واژگان زبان عربی، مانند کلمات: کفر، حاجب و غیره که به مرور زمان تغییر در مفهوم آنها ایجاد شده است، بخاطر عدم آگاهی ایشان از این تغییرات.

س) اشتباه آنها در فهم و استعمال درست واژگانی که در زبان عربی مشترک لفظی نامیده می‌شوند، مانند واژگان: هدی، نائب و غیره..

## فهرست منابع

- ۱- القرآن الکریم.
- ۲- ابن عقیل، عبدالله (۲۰۱۰)، شرح ابن عقیل علی ألفیة ابن مالک، الناشر: دار التراث.
- ۳- ابن منظور، محمد بن مکرم (۲۰۱۰)، لسان العرب، بیروت، دار صادر.
- ۴- انصاری، زکریا بن محمد (۱۴۱۱)، الحدود الأنیقة، بیروت: دارالفکر المعاصر.
- ۵- الجوهری، أبونصر إسماعیل بن حماد (۱۹۸۷)، تاج اللغة و صحاح العربیة، الطبعة الرابعة، لبنان: دارالعلم للملایین.
- ۶- الرازی، محمد بن أبوبکر بن عبدالقادر (۱۸۷۳)، مختار الصحاح، لبنان: مكتبة لبنان.
- ۷- الزبیدی، محمد بن محمد بن عبدالرزاق المرتضی (۲۰۰۸)، تاج العروس من جواهر القاموس، کویت: طبعه کویت.
- ۸- السامرای، إبراهیم (۱۹۷۱)، مباحث لغویة، بغداد: بدون.
- ۹- القصیر، أحمد (۲۰۰۵)، الألفاظ والأسالیب المهجورة فی القرآن الکریم، البغداد: المكتبة الشاملة الحدیثة الملتقی للتفسیر وعلوم القرآن.
- ۱۰- جوزیف، فندریس (۲۰۱۴)، اللغة، القاهرة: المركز القومي للترجمة. القاهرة.
- ۱۱- دهخدا، علی اکبر (۱۹۳۱)، لغت‌نامه دهخدا، تهران: موسسه لغت‌نامه دهخدا.
- ۱۲- رمضان، عبدالتواب (۱۹۹۵)، التطور اللغوی، قاهره: مكتبة الخانجی.
- ۱۳- رمضان، نجار (۲۰۱۷)، نادیة، فقه اللغة العربیة وخصا ئصها، لبنان: دارالکتب العلمیة.
- ۱۴- رضانی، ربابه (۱۳۹۶)، واژگان تحول یافته عربی در فارسی و چالش‌های فراروی مترجمان، تهران: دانشگاه علامه طباطبائی.
- ۱۶- عمر، أحمد مختار (۲۰۰۸)، معجم اللغة العربیة المعاصرة، القاهرة: عالم الکتب.
- ۱۷- عمید، حسن (۱۳۸۳)، فرهنگ عمید، تهران: موسسه انتشارات امیرکبیر.
- ۱۸- مجمع اللغة العربیة بالقاهرة (۲۰۱۱)، مكتبة الشروق الدولية. الطبعة الخامسة.
- ۱۹- محقق داماد، مصطفی (۱۳۹۷)، أصول فقه، قم: نورالثقلین.
- ۲۰- معروف، دوکتوریچی (۱۳۸۶)، فن ترجمه، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت).
- ۲۱- معلوف، لویس (۱۳۸۰)، المنجد، مترجم: محمد بندر ریکی، تهران: انتشارات ایران.
- ۲۲- ناظمیان، رضا (۱۳۸۱)، روش‌های برای ترجمه از عربی به فارسی، تهران: انتشارات سمت.